

قانون مجازات عمومی

فصل اول

۱ - تعریف

قانون مجازات عمومی عبارت از مجموع قواعدی است که از طرف جامعه برای حفظ انتظامات - تنبیه مجرمین - تنبیه افراد و تسکین احساسات عمومی در اثر ارتکاب جرائم (بلااختصاص آسیب دیدگان از جرم) وضع می گردد .

از تعریف فوق بخوبی فلسفه قانون مجازات و منظور واقعی قانون گذار از وضع آن فهمیده میشود چه امروز و در نزد ملل متمدنه وضع قانون مجازات نه تنها برای کیفر دادن به مجرمین و تحصیل رضایت آسیب دیده از جرم یا کسان اوست بلکه بشرحی که بعداً خواهیم دید يك نظر مهم قانون گذار اصلاح حال جامعه تنبیه افراد و تعمیم نظر اجتماعی است .

قبل از اینکه وارد مبحث مجازات و فلسفه وضع و علت وجود آن شویم مختصراً متذکر گردیم چه عوامل و موجباتی در پدیدار شدن قانون مجازات و جرم دانستن پاره از کرده های بشر مؤثر گشته است ؟

بطور کلی منشاء اصلی و علل واقعی وضع مجازات همانا در احساسات مختلفه ایست که از بدو خلقت بشر در نزد افراد بوقوع جرم ایجاد شده و میشود .

۱ - حس ترس - یعنی ترس مردم از وقوع دوباره جرم یا ترس از تقلید سایر افراد یا تشویق شدن آنها بارتکاب جرائم در اثر نبودن مجازات - حس مزبور از قدیم و اوایل

وجود بشر در وضع مجازات مؤثر بوده و در اثر آن سه منظور اصلی جامعه از نظر اجتماعی تأمین میگردد .

الف - مجازات دادن به مجرم .

ب - اسکان حس انتقام آسیب دیده از جرم و کسانش .

ج - ایجاد امنیت و آسایش برای سایر مردم .

د - تنبیه افراد بهواقب وخیم عمل جرم .

پس از این جهت و بشرح فوق قانون مجازات عمومی يك نوع وسیله برای دفاع جامعه است که در عین حال دارای دو اثر احتمالی است .

یکی اثر خصوصی روی شخص مجرم - دیگری اثر اجتماعی روی جامعه .

۲ - حس انتقام - دیگر از سبب مجازات بر آشفتن حس انتقام و ایجاد خشم شدید در افسراد جامعه و بستگان یا شخص آسیب دیده بخصوص است بزرگترین

مظاهر این حس از نظر فردی قصاص و از نظر اجتماعی انتقام و قصاص عمومی است که از اوان اولیه خلقت بشر وجود داشته و بعضی آنکه شخص مرتکب جرمی می گشت بلافاصله از طرف آسیب دیده یا بستگانش مجازات میگردید و گاه اگر جرم در حضور مردم انجام و یا بطوری بود که بطور مستقیم روی افراد جامعه اثر میکرد همان افراد بطور جمعی مجرم را قصاص میکردند و این امر یگانه وسیله تسکین هیجان و خشم و انتقام جمعی و فردی می گردید .

و علل مختلفی که مرتکب را وادار بارتکاب جرم نموده همه را در نظر میگیرد .

۲- پیدایش و سیر تکاملی قانون مجازات

قانون مجازات در تمام کشورها و در نزد یکایک ملل مختلفه و از اوان پیدایش آنان وجود داشته و از قدیمترین قوانینی است که در روابط افراد بشر و حل و فصل آن وجود داشته و بلکه میتوان گفت اولین دفعه که افراه مزبور در مقام وضع و ایجاد حق و تأمین آن برآمدند متوسل بقانون مجازات گردیده و کلیه روابط خود را از خانواده گی و شخصی گرفته تا عمومی و جمعی تمام را بوسیله حقوق جزا قطع و فصل مینمودند حتی در مسائل مالی و حقوق خصوصی و برای اجرای آن حقوق جزا بگانه وسیله بود بعدها و بتدریج که درجه فکر و تربیت و طرز زندگی بشر بجانب تمدن نزدیک شد رفته رفته قانون مدنی قائم مقام قانون مجازات گردید .

بهر حال چون منظور اصلی ما گفتن تاریخ و شرح مفصل از پیدایش قوانین جزائی نبوده و بلکه سابقه دادن مختصری است از اصول و کلیات و چگونگی و فلسفه ایجاد قانون مجازات از شرح مفصل در پیدایش قانون مزبور میگذریم ولی از آنجا که منظور بزرگ از آموزش حقوقی و مخصوصاً در این مقام همانا پرورش دادن قوه استنباط و فهم و همچنین باز کردن قوه و شم قضائی قاضی است بنظر نگارنده توجه دادن خوانندگان باینکه چرا قانون مجازات وضع شده و چه عواملی در آن دخیل بوده و چه منظوری قانون گذار از توسل به آن داشته و در اعمال و اجرای آن قاضی باید چه عوامل و موجبات و چه کیفیات و اوضاع و احوالی را در نظر بگیرد و چه عملی را جرم چه شخصی را مجرم و چه مجازاتی را متناسب با کرده او از طرفی - ترمیم خسارتی که ناشی از آن شده و حفظ نظم جامعه از طرف دیگر بداند و بالاخره برای آنکه قاضی را با اصول مسلمه و ارکان اصلیه که در تشخیص جرم و اجرای مجازات است آگاہ سازد .

۳- حس نفرت - مجرم در اثر کرده زشت خویش بجامعه ثابت میکند که لیاقت زندگی و همسری و یکسانی در حقوق و استفاده از مزایای اجتماعی را مانند دیگران ندارد از این جهت است که هنگام وقوع جرم یک نفرت عمومی از شخص مجرم در نزد افراد مردم ایجاد و جامعه بوضع قانون مجازات و اجرای آن در باره جانی علاوه بر اسکت احساسات فوق حکم طرد او و عدم لیاقتش به بهره مندی از حقوق و مزایای جامعه میدهد این حکم بمنزله یک داغ باطله ایست بر روی مجرم که گاه برای همیشه او را محروم از حقوق اجتماعی کرده و گاه محرومیت مزبور گذری و اعاده آن بر حسب تشخیص قوه قضائیه امکان پذیر است . ولی ناگفته نماند که چنانچه در وضع و اجرای مجازات منحصرأ عوامل و احساسات فوق را مؤثر و موجب بدانیم خطرات دیگری متوجه جامعه میشود چه احساسات مزبور (ترس - انتقام و نفرت) بقدری شدید و در حال هیجان است که گرچه از رعایت آنان موجبات تنبیه و تنبیه و برقراری نظم اجتماعی هر سه تأمین میگردد اما در مقابل در وضع و اجرای مجازات زیاده از حد اعتدال تأثیر کرده و سبب مبالغه آن میگردد و از این جهت رعایت حال مجرمین و بیطرفی کامل درباره آنان نمیشود .

بنا بر شرح فوق و برای آنکه قانون مجازات نفع جامعه و متهم و آسیب دیدگان از جرم هر سه را در برداشته باشد باید یک رشته احساسات و عوامل دیگری نیز در وضع آن مؤثر باشد :

۱- ترحم و نوع پروری که وزنه تعادلی است در مقابل کینه و نفرت و موجب تخفیف ختم و رعایت اصول تربیت و اخلاق درباره مجرم است .

۲- حس عدالت - که در مقابل حس انتقام تأثیر مخالف نموده و از شدت آن میکاهد . برعکس حس انتقام که مجازات را برای کرده گذشته مجرم در نظر میگیرد حس عدالت رعایت گذشته و حال و آینده هر سه را نموده نوع جرم کیفیات و اوضاع و احوالی که با آن همراه بوده